

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

91202

دانشگاه پیام نور - آذربایجان شرقی	
کتابخانه مرکزی	
شماره کتاب	PIR
شماره سریال	۱۹۱
تاریخ ثبت	۸۴/۲/۲۷

دانشگاه پیام نور

دانشکده برون مرزی زبان و ادبیات فارسی

شماره	۱۲۹۱
تاریخ	۸۰/۴/۲۱

پایان نامه کارشناسی ارشد

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد
دانشگاه پیام نور - آموزش از راه دور

موضوع:

تصحیح تذکره الاولیاء عطار نیشابوری

بر اساس نسخه خطی مورخ ۱۳۰۶ ق.



۱۳۸۷ / ۲ / ۲۷

استاد راهنما: دکتر رضا مصطفوی سبزواری
 استاد مشاور: دکتر توفیق هاشم پور سبحانی
 دانشجو: فریده شفیعی اردستانی

سال تحصیلی ۲۸-۱۳۷۷

۹۸۲۵۲

متن تذکره الاولیاء

شیخ فرید الدین عطار نیشابوری

بر اساس نسخه مورخه ۶۱۳ هجری قمری

و

مقابله با دو نسخه دکتر استعلامی و نیکلسون

فصل اول :

زندگینامه عطار

فصل دوم :

آثار عطار

(تاثیر آثار عطار در ادبیات فارسی و متون عرفانی)

فصل سوم :

تذکره و تذکره نویسی در ادبیات فارسی

فصل چهارم :

تذکره الاولیاء

الف) شیوه نثر عطار در تذکره الاولیاء

ب) اهمیت و نقش تذکره الاولیاء در شبه قاره هند

فصل پنجم :

چگونگی نفوذ و رواج زبان فارسی در شبه قاره

فصل ششم :

نسخه حاضر و ویژگیهای آن

فهرست اشخاصی که نامشان در تذکره الاولیاء آمده است

سپاس و تشکر :

بی تردید راهنماییهای مستمر و دلسوزانه استاد ارجمند جناب آقای دکتر مصطفوی عامل اساسی در تدوین و شکل گیری این رساله بوده و البته تذکرات ارزشمند اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر توفیق سبحانی و سرکار خانم دکتر دیران مرا در تکمیل این رساله بسیار یاری کرده است .
اما اگر مساعدت و همکاری صمیمانه آقای دکتر نسیم اختر مسئول بخش مخطوطات فارسی موزه دهلی نبود ، قطعاً شرایط لازم برای استفاده از نسخه منحصر به فرد خطی مذکور برای اینجانب فراهم نمی شد .
همچنین زحمات طاقت فرسای سرکار خانم پروانه شبانیان در تایپ این رساله فراموش نشدنی است .

اما انگیزه اصلی را برای این تلاش مدیون همسرم آقای علیرضا شیخ عطار می باشم که اگر راهنماییها و مساعدتهای مستمر فکری او نبود تکمیل این نوشته تحقق نمی یافت .
لذا خالصانه ترین سپاسها را تقدیم این عزیزان می نمایم .

فصل اول

زندگینامه عطار

تولد

مصنف کتاب تذکره الاولیاء، شیخ محمدبن ابراهیم ملقب به فرید الدین و مکتبی به ابوطالب یا ابوحماد^۱ است؛ «وی از اجله مشایخ عظام و اعزه عرفای ذوی الاحترامست، متقدمین اکابر او را شیخ الاولیاء خوانند و متاخرین عرفا وی را سلیمان ثانی دانند.»^۲

بنا به گفته استاد فروزانفر شیخ در سال ۵۴۰ هجری قمری در شهر نیشابور متولد شده است و به سبب آنکه در آن شهر دواخانه داشته و به طب اشتغال می ورزیده است او را عطار گویند.^۳ چنان که خود (عطار) در خسرونامه به این مطلب اشاره می کند که گاهی روزانه پانصد مریض را معالجه کرده است.

به داروخانه پانصد شخص بودند که در هر روز بنضم می نمودند

ص ۳۳

ولی عطار ضمن کار و کسب به نوشتن کتب و سرودن منظومه های خود و نیز زهد و سلوک اشتغال داشت.

مصیبت نامه کاندوه جهان است الهی نامه کاسرار عیان است

به داروخانه کردم هردو آغاز چگویم زود رستم زین و آن باز

خسرونامه ص ۳۳

به قول استاد فروزانفر:

«بدون شک او از آغاز عمر به تحصیل علوم و فنون زمان خود مشغول شد و در بسیاری از آنها اطلاع وسیع بدست آورد و در عین حال وی از آن کسان بود که درس و بحث و نقض و ابرام و قیل و قال مدرسه عطش و استسقای باطنشان را فرو نمی نشاند و سیرابش نمی کرد بدین جهت با وجود اطلاع وسیع از علوم رسمی و حکمت بحثی روی از مدرسه در خانقاه می آوردند تا از زلال معرفت الهی و حکمت ذوهی و روحانی سیراب شوند و کاوش

^۱مقدمه تذکره الاولیاء چاپ لیدن، تصنیف میرزا محمدبن عبدالوهاب قزوینی، انتشارات صفی علیشاه سال ۷۴ ش-ص ۱

^۲ آتشکده آذر تالیف آذر بیگدلی باهتمام و حاشیه و تعلیق دکتر سادات ناصری - بخش دوم، انتشارات امیرکبیر سال ۱۳۳۸ - ۱۳۳۷ ش-ص ۶۹۶ - ۶۹۵

^۳ رک شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری تالیف استاد بدیع الزمان فروزانفر انتشارات انجمن آثار ملی-تهران-۴۰ - ۳۹ ش-ص ۱۰

خارخار بحث و چون و چرا را فرو نشاند.»^۱

این سرچشمه جامی او را مرید مجدالدین میداند و چون مجدالدین از مریدان نجم الدین کبری (سرسلسله کبرویه) است نتیجه گرفتند که عطار پیرو کبرویه است.^۲

در حال عطار در سیر و سلوک به مقامی عالی عروج کرد و بهمین علت در میان صوفیان مقامی والا یافت. اکثر عرفای بزرگ چون مولانا جلال الدین محمد بلخی و شیخ محمود شبستری از او به نیکی یاد کرده اند و او را عارف کامل و مرشد راهدان و واصل به حق و حقیقت دانسته اند. چنان که مولانا گوید:

عطار روح بودو سنائی دو چشم او
ما از پی سنائی و عطار آمدیم^۳

و شاعریش را شیخ محمود شبستری (۷۳۰ - ۶۸۷ هـ . ق) چنین ستاید :

مرا از شاعری خود عار ناپد
که در صد قرن چون عطار ناپد
کز این طور و نمط صد عالم اسرار
بود یک شمه از دیوان عطار^۴

از آثار او بخوبی مشهود است که او مردی وارسته و بزرگوار و از هوای نفسانی دور بوده و حقیقتاً قدم در راه صدق نهاده است و چنان تمکن کمالات روحی و حالات عرفانی در جان او نشسته بود که او را بی نیاز و مستغنی از غیر خدا ساخته ، بهمین جهت هیچ گاه زبان به مدح کسی از ملوک و پهلوانان عصر خود نگشوده است تا بدانجا که در آثارش برای هیچ مخلوقی مدیحه ای پیدا نمی شود چنانچه خودش گوید :

۱ . ر . ک به شماره ۳ ص ۱۹

۲ . ر . ک - نفعات الانیس مولانا عبدالرحمان جامی - تصحیح و مقدمه و پیوست مهدی توحیدی پور - کتابفروشی محمودی ص ۴۱۹

۳ . ر . ک تاریخ ادبیات در ایران - استاد دکتر ذبیح الله صف - جلد دوم - ص ۸۶۷

۴ . مجموعه آثار شیخ محمود شبستری با اهتمام دکتر صمد موحله - چاپ اول - کتابخانه طهوری تهران - ص ۶۵ ش - ص ۶۹

به عمر خویش مدح کس نگفتم

و یا می گوید

لاجرم اکنون سخن باقیمت است

دل ز منسوخ و زممدوحم گرفت

تا ابد ممدوح من، حکمت بس است

دری از بهر دنیا من نسفتم

مدح، منسوخ است و وقت حکمت است

ظلمت ممدوح از روحم گرفت

در سرجان من این حکمت بس است^۱

ولی در عوض به آثار عطار هرکجا برمی خوریم می بینیم مملو از عشق به خداست، عشق سوزانی که حاصل معرفت اوست، عطار در ذره ذره اشیاء جلوه جمال الهی را می بیند و در این رهگذر معتقد است که انسان عشقی آمیخته با درد دارد چنانکه می گوید.

تا ز سرعشق سرگردان شدم

چون دلم در آتش عشق اوفتاد

عاشق صاحب جمالی شد دلم

غرقه دریای بی پایان شدم

مبتلای درد بی درمان شدم

کز کمال حسن او حیران شدم^۲

او علاوه بر عشق به خدای سبحان، ارادت خاصی به رسول اکرم (ص) دارد چون او را مظهر تام و تمام حق می داند به او عشق می ورزد و او را می ستاید.

دلی کائینه اسرار گردد

تویی آن خواجه کز یک شاخ نعتت

تویی آن مرد، کز نور وجودت

ز نعت خواجه احرار گردد

دو عالم خلق بر خوردار گردد

عدم آبستن اسرار گردد^۳

^۱ مصیبت نامه به تصحیح دکتر نورانی وصال چاپ تهران - (س) ۳۶ ش ۳ ص ۴۷

^۲ دیوان عطار باهتمام و تصحیح تقی تفضلی انتشارات علمی و فرهنگی چاپ ششم - (س) ۷۱ ش ۳ ص ۴۱*

^۳ دیوان عطار باهتمام و تصحیح تقی تفضلی انتشارات علمی و فرهنگی - چاپ ششم - (س) ۷۱ ش ۳ ص ۸۴۵

مذهب عطار :

عطار در مورد پیشوایان اهل سنت و شیعه هر دو به ستایش پرداخته است که این مسئله باعث شده است که محققین در مورد مذهب عطار متفق القول نباشند.

قاضی نورالله شوشتری (ره) در مجالس المومنین احوال او را مفصلاً بیان نموده و در کمال عرفانی و تشیع او داد سخن داده است و می گوید : منبع الحقایق و الاسرار الشیخ فریدالدین عطار قدس سره العزیز^۱ و یا حضرت آیه الله عاملی نام عطار را در اعیان الشیعه که اختصاص به علمای شیعه دارد ذکر کرده است.^۲ از طرفی محقق بزرگ استاد فروزانفر در شرح حال عطار می گوید :

« چنان که ظواهر آثار گواهی می دهد او مذهب اهل سنت داشته است ، اظهار عشق و علاقه آتشین به خلفای سه گانه و مدح و ستایش شافعی و ابوحنیفه در مثنوی خسرونامه و تکریم ائمه سنت در تذکره الاولیاء دلیلی است ظاهر و غیر قابل انکار »^۳

برای تعارض آرا در مظهر عطار شاید بتوان چنین گفت :

عطار به احتمال قوی شیعه بوده است و دلایل آن ابیاتی است که در مدح امیر المومنین و ائمه اطهار گفته است مثلاً در مصیبت نامه چنین آمده است :

فی فضیلة علی بن ابیطالب رضی الله عنه

گربرادرشان نگوئی چون بود
موسی و هارون همدم آمده
وال من والاه اندرشان اوست

چون نبی موسی علی هارون بود
دردو هم تخم آندو هم دم آمده
قلب قرآن قلب پرقرآن اوست

یا در مورد امام حسن می گوید :

شمع جمع انبیاء و اولیاء

نورچشم مصطفی و مرتضی

^۱ و ۲ - رک توحید علمی و عینی در مکاتب حکمی و عرفانی - تالیف حاج سید محمد حسین حسینی تهرانی - چاپ دوم - انتشارات علامه طباطبائی مشهد - (س) ۱۴۱۷ هـ . ق (ص) ۳۸

^۳ شرح احوال و نقد و تحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری - تالیف استاد فروزانفر - انتشارات انجمن ملی (س) ۴۰ - ۳۹ ش - (ص) ۵۵

یا در مورد امام حسین می گوید :

کیست حق را و پیمبر را ولی	آن حسن سیرت حسین بن علی
آفتاب آسمان معرفت	آن محمد صورت و حیدر صفت
نه فلک را تا ابد مخدوم بود	زانکه او سلطان ده معصوم بود
تشنه اورا دشنه آغشته بخون	نیم کشته گشته سرگشته بخون
باجگر گوشه پیمبر این کنند	وانگهی دعوی داد و دین کند
کفرم آیدهرکه این رادین شمرد	قطع باد از بن زفانی کین شمرد ^۴

ولی چون در عهد خوارزم شاهیان می زیسته است و آنها عامی مذهب بوده اند مجبور به تقیه بوده است .

ولی توجیه دلپذیرتر نظر عارف کامل آیت الله حاج میرزا علی آقای قاضی تبریزی (ره) می باشد که فرموده است:

« محال است کسی به درجه توحید و عرفان برسد و مقامات و کمالات توحیدی را پیدا نماید و قضیه ولایت براو مشخص نگردد، بزرگانی که نامشان در کتب عرفانی ثبت است و از اولاد ولایت نبوده اند یا واصل نبوده اند و ادعای این معنی را می نمودند و یا تحقیقاً ولایت را ادراک کرده اند.»^۵

و بالاخره میتوان نظریات متفاوت در مورد مذهب عطار را با توجیه استاد فروزانفر جمع نمود که :

« شیخ ما نیز خواه سنی یا شیعی باشد در مسلک تصوف قدم می زده است و عموم صوفیان به استثنای نقشبندیه که به ابوبکر نیز خود را پیوسته می شمارند سند خرّقه خود را به نقطه دایره ولایت محمدیه متصل می سازند و در عقد بیعت ولویه یداً بید علی را دستگیر خود می دانند و ساغر محبت و عشق به طاق ابروی مردانه وی در می کشند.»^۶

^۴ مصیبت نامه چاپ تهران به تصحیح دکتر نورانی و صالک (س) ۳۶ ش ۳ - ص ۳۷ - ۳۵

^۵ ر . ک توحید علمی و عینی آیت الله حسینی تهرانی - چاپ دوم انتشارات علامه طباطبائی مشهد (س) ۱۴۱۷ هـ . ق ۱ ص ۲۰

^۶ مقدمه تذکره الاولیاء دکتر محمد استعلامی - چاپ هشتم انتشارات زوار (س) ۷۴ ش ۱ ص ۳۵

مرگ عطار :

اما در مورد مرگ عطار باید گفت همانگونه که سال تولد وی بدرستی معلوم نیست ، در مورد پایان زندگی او هم تذکره نویسان متفق القول نیستند « قدیمی ترین ماخذ در مورد پایان زندگی عطار روایت ابن الفوطی مورخ شهید متوفی در سال ۷۲۲ در کتاب خود تلخیص معجم الالقب درباره عطار می نویسدکه : کان شیخاً مفوها حسن الاستنباط و المعرفة الکلام المشایخ و العارفين و الائمة السالکین وله دیوان کبیر له منطق الطیر من نظم المثنوی و استشهد علی يد التتار نیشابور.»^۱

اگرچه ابن فوطی سال مرگ را مشخص نمی کند ولی به شهادت او در نیشابور در حمله مغول اشاره می کند و چون حمله مغول و قتل عام نیشابور به تصریح عظاملک جوینی در تاریخ جهانگشا در روز شنبه ۱۵ صفر سال ۶۱۸ هـ . ق اتفاق افتاده و پس شهادت شیخ علی التحقیق در همان سال به وقوع پیوسته است.^۲

^۱ ر. ک توحید علمی و عینی. نوشته آیت الله حسینی تهرانی - چاپ دوم. انتشارات علامه طباطبائی - مشهد (س) ۱۴۱۷ هـ. ق (ص ۴۰)

^۲ ر. ک تاریخ جهانگشای جوینی. علاءالدین عظاملک جوینی. تهران نشر کتاب چاپ سوم (س) ۱۳۶۷ هـ. ق (صص ۱۳۸ - ۱۴۰)

فصل دوم

آثار عطار

(تأثیر آثار عطار در ادبیات فارسی و متون عرفانی)

آثار عطار :

استاد نفیسی می نویسد :

« در باب آثار عطار نیز همچنانکه در احوال او بی مبالاتی کرده اند نه تنها بسیار مبالغه کرده بلکه یک عده کتابهایی را از او نیست به او بسته اند در مجالس المومنین این سه بیت در باره عطار آمده است که ظاهراً قاضی نورالله شوشتری مولف آن کتاب خود سروده است .

همان خریطه کش داروی فناعطار	که نظم اوست شفابخش عاشقان حزین
مقابل عدد سوره کلام نوشت	سفینه های عزیز و کتابهای گزین
چون زجذبه اودیده درسلوک خرد	خرد زمنطق او جسته در سخن تلقین

بنابر این اشعار ، شمار مولفات عطار به اندازه سوره های قرآن یعنی ۱۱۴ بوده است که این مجعول است و آثار مسلم عطار عبارتند از تذکرة الاولیاء ، اسرارنامه ، الهی نامه ، پندنامه ، خسرونامه ، دیوان قصاید و غزلیات و ترجیعات ، مختارنامه ، مصیبت نامه ، مفتاح الفتوح ، منطق الطیر ، نزهة الاحباب ^۱»

ولی استاد فروزانفر می نویسد که :

« آثار مسلم عطارهمان هائی است که در مقدمه خسرونامه و مختارنامه آنها را ذکر کرده است . و عبارت است از الهی نامه ، اسرارنامه ، جواهرنامه ، خسرونامه ، شرح القلب ، مصیبت نامه ، مقامات الطیور یا منطق الطیر ، دیوان قصاید و غزلیات و مختارنامه که مجموعه رباعیات اوست بنابراین عطار ۹ اثر منظوم از خود برمی شمارد و چون تذکره الاولیاء را براین عدد بیفرائیم آثار او از ده کتاب تجاوز نمی کند و کتابهای دیگری که به او نسبت داده اند یا بطور قطع از او نیست و یا در انتساب آنها به عطار شک و تردید است . ^۲»

^۱ - ر . ک رساله جستجو در احوال و آثار فریدالدین عطار نیشابوری - نفیسی - (س) ۱۳۲۰ - ص ۹۵

^۲ - ر . ک شرح احوال و نقد و تحلیل آثار فریدالدین عطار نیشابوری - بدیع الزمان فروزانفر - انتشارات انجمن ملی - (س) ۴۰ - ۳۹ ش - ص (۹۰ - ۷۴)

البته دانشمند بزرگوار دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی در مقدمه مختارنامه ثابت کرده اند که خسرونامه همان الهی نامه است ، ضمناً دو اثر جواهرنامه و شرح القلب به اقرار خود عطار در مقدمه مختارنامه در زمان حیاتش از بین رفته است .

استاد دکتر ذبیح الله صفا می نویسد :

عطار بحق از شاعران بزرگ متصوفه و از مردان نام آور تاریخ ادبیات ایران است کلام ساده و گیرنده او که با عشق و اشتیاقی سوزان همراه است همواره سالکان راه حقیقت را چون تازیانه شوق بجانب مقصود راهبری کرده است ولی برای بیان مقاصد عالیه عرفانی خود بهترین راه را که آوردن کلام بی پیرایه روان و خالی از هر آرایش و پیرایش است انتخاب کرده و استادی و قدرت کم نظیر او در زبان و شعر به وی این توفیق را بخشیده است که در آثار اصیل و واقعی خود این سادگی و روانی را که به روانی آب زلال شبیه است با فصاحت همراه داشته باشد، وی اگرچه به ظاهر کلام ، وسعت اطلاع سنائی و استحکام سخن و استادی و فرمانروائی آن سخنور نامی را در ملک سخن ندارند ولی زبان نرم و گفتار دل انگیز او که از دلی سوخته و عاشق و شیوا برمی آید حقایق عرفان را به نحوی بهتر در دلها جایگزین می سازد و توسل او به تمثیلات گوناگون و ایراد حکایات مختلف هنگام طرح یک موضوع عرفانی مقاصد معتکفان خانقاه ها را برای مردم عادی بیشتر و بهتر روشن و آشکار می دارد شاید بهمین سبب است که مولانا جلال الدین بلخی که عطار را تجوده عشاق می دانسته چنین می فرماید:

ماهنوز اندر خم یک کوچه ایم
ماز بی سنائی و عطار آمدیم^۱

هفت شهر عشق را عطار گشت
عطار روح بود و سنائی دو چشم او

« زبان فارسی : اعم از نثر و نظم پیش از عطار به همت و سرمایه بزرگان این عرصه غنا و قوت یافته بود و آن بزرگان آثاری فصیح و بلیغ به گنجینه ادب فارسی عرضه کرده بودند اما بیشتر آن بزرگان ، این عرصه را وسیله امور دنیاوی و مدح سلاطین قرار داده بودند و پیوسته کوشش می کردند که هر چه بیشتر سخن خود را با آرایه های لفظی و صنایع و زیورهای ادبی مزین کنند تا سخن آنها بیشتر مورد توجه ممدوح واقع شود اما در مورد سنائی چنین نبود او روی از این مقصد بتافت و تحول و دگرگونی عمیق در شیوه سخن ، پدید آورد اما سخن بلند او باز مخاطب خاص خود را می طلبد اما عطار با شور و حال و ذوق سرشار و استیلای کاملی بر فن ادب داشت سخن را سبک و سیاقی نو بخشید، و از آن جمود پیشین رها ساخت و از دایره تنگ مداحی به عرصه تفکر و عشق و معرفت، رهنمون گشت از آنجا که شور و حال بر ضمیرش جوش می زد به آرایه های

^۱ ر . ک تاریخ ادبیات در ایران - استاد دکتر ذبیح الله صفا جلد دوم (ص ۸۶۷ - ۸۶۵)

لفظی و پیرایه های سنائی چندان عنایتی نداشت از این رو مقاصد و دریافتهای خود را با روانی و سادگی بیان می کرد و سخن را از آن خواهش های حقارت آمیز به اوج استغنا و عزت نفس و فضیلت برکشید. ^۱»

دکتر اشرف زاده در این مورد چنین می گوید :

« عطار نیشابوری پس از نزدیک به یک قرن بعد از سنائی زبان پخته تری را عرضه می کند و آشکار است که زبان مولوی از هردوی اینها پخته تر است. زبان عطار در عین آنکه ساده و عامیانه است منبعی عظیم از لغات و ترکیبات زیبای فارسی است. من این لغات و ترکیبات را در هفت جلد کتاب گردآورده و شرح داده ام ، شاید هیچ یک از شاعران این همه ترکیب نشناخته و این همه لغات زیبای اصیل نیاورده اند. ^۲»

دکتر محمد روشن در این باره می گوید:

« هر اثری که به فارسی نگاشته می شود از دیرزمان تا به امروز خواسته و ناخواسته گامی در راه غنای زبان فارسی است ، خاصه عطار که با وسعت مصالح لغوی و امثال و حکم و تمثیل ها و مثل ها در راه گسترش زبان فارسی گامهای بلندی برداشته است . سخن او از دیروز و امروز نیست که به اقتضای زمان دگرگونی یابد. در تذکره الاولیاء، اثر بزرگ و نامدار او به نثر ، خوارق عادات و داستانهای غریب و نادر حالات بسیار است ولی آنچه که مایه آموزش است و به امروز و فردا کهنگی نمی پذیرد در آثار او اندک نیست آنجا که می گوید:

امام ابوعلی دقاق را گفتند گوشت گران شد گفت ارزانش کنید گفتند چگونه ؟ گفت ، نخیرم و نخوریم
هماندهای این پیام را در شعر و نثر او می توان یافت . ^۳»

پس از مجموعه مطالب ، شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که سخن عطار دو خصوصیت مهم داشته است یکی اینکه مفاهیم عرفانی و اخلاقی و مسائل معرفتی و معانی حکمی را در قالب قصه بیان می کرده است که منطق الطیر بعنوان یک اثر ممتاز و استثنائست است که در قالب قصه و داستان اسرار سیر و سلوک الی الله را با زبان شیرین بیان می کند .
دوم اینکه مقصود خود را با زبانی ساده و نرم و شفاف و قابل فهم برای عموم بیان کرده است و در این عرصه یکی از نوادر

^۱ ر. ک مقاله ای در مورد عطار-تالیف استاد محمود شاهرخی-کیهان فرهنگی-شماره ۱۲-س ۷۴-ص ۱۲

^۲ ر. ک یادواره عطار نیشابوری-مقاله دکتر اشرف زاده-کیهان فرهنگی-شماره ۱۲-س ۷۴-ص ۹

^۳ ر. ک یادواره عطار نیشابوری-مقاله دکتر روشن-کیهان فرهنگی-شماره ۱۲-س ۷۴-ص ۱۰

روزگار بحساب می آید مثلاً در تذکره الاولیاء می نویسد :

« نقل است که رابعه روزی بیمار شد سبب بیماری پرسیدند گفت (نظرت الی الجنة وادبنی ربی) در سحرگاه دل

ما به بهشت میلی کرد دوست با ما عتاب کرد این بیماری از آنست .^۱

^۱ ر.ک تذکره الاولیاء دکتر استعلامی چاپ هشتم انتشارات زوارچ (س) ۷۴ (ص) ۸۴

فصل سوم

تذکره و تذکره نویسی در ادبیات فارسی

یکی از تذکره های مهم در عالم علوم اسلام همانا تذکره الاولیاء عطار است او با تالیف این صحیفه بابی تازه برمولفات اسلامی گشود چندان که بعد از او خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲ - ۵۹۷ ه. ق) به اختتام عطار رساله ای به نام تذکره نوشت.^۱

عبارت تذکره در قلم خواجه نصیر نه به مفهوم مورد نظر عطار که حاوی محتوایی اخلاقی و به معنای یادکرد آمده است لکن سومین تذکره به مفهوم تذکره عطار را دولتشاه سمرقندی با عنوان تذکره الشعرا در سال ۸۹۲ ه. ق نوشته است و البته به اقرار امیر دولتشاه تذکره او به پیروی از عطار انشاء شده است.^۲

تذکره ، در لغت فارسی به معنی یادآوردن ، یادداشت و پند دادن^۳ ، کتاب تاریخ و حالات و اشعار شعرا^۴ ، کتابی که در شرح حال شعرا نوشته شده^۵ و گذرنامه^۶ آمده است .

« لکن تذکره درفارسی و ترکی به مفهوم مجموعه تراجم و شرح احوال اشخاص هم به کار برده شده است »^۷
چه در کشف الضنون حاجی خلیفه هفتاده وهفت عنوان کتاب به زبان عربی با مطلع تذکره درج شده است که همگی به مفهوم یادکرد و یادبود و یادگار تعریف شده است . البته درفارسی نیز به کتابهایی با عنوان تذکره به مفهوم بالا برمی خوریم ، تذکره نامه طهماسب صفوی از آنجمله است که درمقدمه کتاب آمده است :

« بخاطر شکسته خطور کرد که از احوالات و سرگذشت خود تذکره ای به قلم آورند که از ابتدای جلوس الی یومنا هذا احوال به چه نوع گذشته است تا از من برسبیل یادگار در روزگار بماند... »^۸

۱ - تذکره خواجه نصیرالدین طوسی طبع دانشگاه تهران (س) ۱۳۳۵ ش (ص) ۲۰

۲ - تذکره دولتشاه سمرقندی به اهتمام محمد عباسی تهران ۱۳۳۷ ش (ص) ۱۷

۳ فرهنگ آندراج

۴ - فرهنگ نظام

۵ - فرهنگ نفیسی

۶ فرهنگ تازی به پارسی به اهتمام بدیع الزمان فروزانفر چاپخانه وزارت فرهنگ - دبیرخانه فرهنگستان (س) ۱۳۱۹ ش

۷ -

MILLIE GITIM BASIMEVI ISTANBOL 1971

(چاپخانه وزارت تعلیم و تربیت ، استانبول ۱۹۷۱ . م . ج . ۱ ص ۳۸۳ - ۳۹۳)

۸ تذکره نامه طهماسب صفوی - چاپ برلین - مطبعه کاویانی - ۱۳۴۳ ه . ق ص ۱۴

در شبه قاره هند نیز تذکره به همین تعبیر - یادگار - به کار رفته است نام « تذکره آنندرام مخلص » در تاریخ جنگ بین محمد شاه پادشاه هند و نادرشاه افشار را^۱ می توان از آن دسته متذکر شد .

مگر مضمون - یادکرد - بر تذکره عطار مضمربنیست ؟ چون در تذکره الاولیاء گویند : دیگر باعث آن بود که چون دیدند روزگاری پدید آمده است که الخیرشر و اشرارالناس اخیار والناس را فراموش کرده اند تذکره ای ساختم اولیا را این کتاب را تذکره الاولیاء را نام نهادم تا اهل خسران روزگار اهل دولت را فراموش نکند و گوشه نشینان و خلوت گزینان را طلب کنند و با ایشان رغبت نمایند تا در نسیم دولت ایشان به سعادت ازلی پیوسته گردند.^۲

چنانکه در ابتدا گفته شد ، نخستین کتابی که به نام تذکره نوشته شده است همان تذکره عطار است . پیش از آن چندین کتاب به مفهوم تذکره ولی نه به نام تذکره تالیف شده است « لباب الالباب سدیدالدین محمد عوفی قدیمی ترین کتابی است که در احوال آثار و تراجم شاعران دردست است چنانچه عوفی خود در مقدمه می نویسد: « در طبقات شعرای عجم هیچ تالیفی مشاهده نیامده است و هیچ مجموعه در نظر نیامده است »^۳

بسیاری از تذکره نویسان حتی تا عصر حاضر از عطار تقلید کرده اند تا حدی که بعضاً از انتخاب نام تذکره الاولیاء نیز گریزی نکرده اند (مثل تذکره الاولیاء فی تراجم العلماء و الصلحاء نوشته احمد نوشین طبع تبریز - و تذکره الاولیاء و نوشته شمس الدین پرویزی چاپ تبریز سال ۱۲۳۳ در احوالات درویش ، شیوخ و اقطاب سلسله ذهبیه)

تذکره نویسی کم کمک از گردآوری و تراجم احوال اولیاء فراتر یا فروتر رفته و در موضوعات متعددی مانند تذکره الاخوانین ، تذکره الاطباء ، تذکره الکحالین ، تذکره القبور و تذکره الحيوانات و... دامن گشاده است^۴

اما بنا به اهمیت تذکره الاولیاء عطار پیش از اکتشاف صنعت چاپ نسخه های فراوان علی رغم حجم چشمگیر آن استتساخ شده است که نسخ خطی غیر معتبر و مغشوش و مغلوپ فراوانی در مجموعه ها و کتابخانه سراسر جهان موجود است و البته پس از اکتشاف چاپ نیز تعداد طبع این کتاب به کرات و مرات اتفاق افتاده است . مثلاً چاپ تذکره الاولیاء عطار به سال ۱۸۵۲ م در دهلی (شاید قدیمی ترین چاپ تذکره الاولیاء باشد) و در سال ۱۸۸۴ م در بمبئی و ۱۸۸۵ م در لاهور و ۱۸۹۱ م در لکهنو و ۱۹۰۵ م در لیدن و لندن و بعد از آنها در سال ۱۳۲۱ ش در تهران صورت گرفته است.

^۱ - تذکره آنندرامخلص رایل ایستاتیک سوسایتی اف بنگال

RILE ISTATIC SOSAYETI OF BONGAL

^۲ - تذکره الاولیاء به تصحیح محمد قزوینی (س) ۱۳۲۲ ش مخلص ۶ - ۵

^۳ لباب الباب - تصحیح پروفیسور ادوار براون - چاپ لیدن - ۱۹۰۳ م مقدمه مصحح

^۴ - ر . ک الذریعه - حاج آقا بزرگ تهرانی - جلد ۴ (ص ۵۳ - ۱۹